



## چرا معلم شاعر بزرگی است؟

■ سیداکبر میرجعفری

معلم خود را زبان گویای جمع می‌داند به همین دلیل وی هر جا که از خویشتن خویش می‌گوید، از ضمیر جمع استفاده می‌کند. وی خود را موظف می‌داند از رنج بشر بگوید و از مرارت‌هایی که بر اثر سرکشی‌ها بر انسان رفته است، استفاده از ضمیر جمع طبیعتاً به لحن حماسی شعر می‌افزاید و همدلی خواننده را بیشتر برمی‌انگیزد.

هنرمند واقعی کیست؟ کدام ویژگی‌ها باعث می‌شود هنرمند هر جا رود قدر بیند و بر صدر نشیند؟ به نظر می‌رسد هم‌په‌ی هنرمندان بزرگ دارای ویژگی‌هایی هستند که باعث تمایز آنان با دیگر افراد می‌شود. در عین حال این ویژگی‌ها در همه هنرمندان بزرگ مشترک است. علی معلم به گواهی آثارش از این خصوصیات برخوردار است و به استناد همین خصوصیات، شاعر و هنرمندی بزرگ است. این نوشته بر آن است تا با برشمردن ویژگی‌های عمده هنرمندان بزرگ، دلایل مقبولیت شعر علی معلم را برشمارد.

1 - همه هنرمندان بزرگ برای خویش‌رسالتی قائلند و اصولاً اگر هنرمندی برای خویش رسالتی قائل نباشد هرگز به خلق اثر هنری توفیق نمی‌یابد. باور این نکته که فردی بی‌انگیزه درونی جماعتی است و زبان گویای هم نسلان خویش است، جز از روح‌های بزرگ بر نمی‌آید و اگر کسی به غلط چنین ادعایی کند بی‌شک اثر هنری‌ای که از وی صادر می‌شود جز لاف و گزاف‌چیز دیگری نخواهد بود. علی معلم مدعی چنین رسالتی است. این را در بسیاری از شعرهای وی می‌توان دید:

هلا ز پشت یلان هر چه هست این‌هایم  
اگر گسسته اگر جمع آخرین‌هایم  
گلی به دست بهاران نمانده غیر از ما  
یلی ز پشت سواران نمانده غیر از ما  
در اضطراب زمین کاملان سفر کردند  
بر آب حادثه دریا دلان سفر کردند  
در ازدحام شب رفته بانگ مردی نیست  
به دست راه زگردان رفته گردی نیست  
فرو شدند به جولان چو بر جیل راندیم  
شکسته ما دو سه تن در شکاف شب ماندیم  
شدند و رجعتشان را مجال حيله نماند

به غیر ما دو سه مجروح در قبیله نماند رجعت سرخ ستاره ص 17 و 18  
معلم خود را زبان گویای جمع می‌داند به همین دلیل وی هر جا که از خویشتن خویش می‌گوید، از ضمیر جمع استفاده می‌کند. وی خود را موظف می‌داند از رنج بشر بگوید و از مرارت‌هایی که بر اثر سرکشی‌ها بر انسان رفته است، استفاده از ضمیر جمع طبیعتاً به لحن حماسی شعر می‌افزاید و همدلی خواننده را بیشتر برمی‌انگیزد.

به ترك چشمه در آغاز شب روانه شدیم  
دو رودخانه برادر دو رودخانه شدیم  
دو رودخانه روان تا کران ساحل دور  
یکی به بستر ظلمت یکی به بستر نور  
دو رودخانه برادر، عظیم و پهناور  
دو رودخانه برادر، قریب یکدیگر...

رجعت... ص 53

اولین مجموعه شعری که از این شاعر به چاپ رسیده، «رجعت سرخ ستاره» است که تاریخ چاپ آن سال 1360 است. این تاریخ نشان می‌دهد عمده شعرهای این کتاب در بیست و چند سالگی شاعر سروده شده‌است. با این همه آثار پختگی و کمال در سرتا سر این کتاب نمایان است و همان رسالتی که از آن سخن گفتیم به روشنی به چشم می‌آید، بی آن که خواننده لحظه‌ای از همراهی با شاعر این مجموعه غافل شود. معلم در آغاز بخش غزل‌های این کتاب آورده است: «غزلها یادگار گذشته دور و فراموش شده

است که از آن جز این باد در دست من نیست.» گویی گوینده این سخنبر کاملی است که سالها بر وی گذشتهاست. در حالی که چنان که اشاره شد، وکاین سخنان را در عنفوان جوانی بر زبان آورده است. واقعیت این است که هنرمند وشاعر بزرگ از جایگاه تزلزل نمی‌تواند به‌خلق هنر توفیق یابد. آنچه مسلم استانسانهای بزرگ خیلی زود به بلوغ روحی وفکری می‌رسند. معلم در این دورهتجربهای روحی و فکری فراوانی را پشتسر گذاشته است که می‌تواند همچون پیرانسخن بگوید. از این شاعر بعد از چاپ اینکتاب، در سالهای بعد نیز مثنوی‌هایمنتشر شد. تأمل در این مثنوی‌ها نشانمیدهد، معلم از نظر زبانی و جنبه‌های دیگرشعر، پیشرفت چندانی نسبت به شعرهای«رجعت سرخ ستاره» نداشته است. در واقعبلوغ شاعری معلم را در این کتاب می‌بینیم.

2 - آثار هنری هنرمندان بزرگ بی‌همانداست و در واقع مشابه آن از هیچ کس سرزده است به عبارت دیگر آثار هنری بزرگجیزی برداشته‌های بشر افزوده‌اند و گوییجهان تا پیش از خلق آن اثر چیزی کم داشته‌است. بی‌شک اگر شاهنامه فردوسی، دیوانحافظ، آثار سعدی و نظامی خلق نمی‌شد، گنجینه ادب فارسی چیزی کم داشت. شعرهای علی معلم از چند منظر به گنجینه‌شعر فارسی چیزهایی افزوده است. در اینجا به چند مورد اشاره می‌شود:  
الف) شعر «تاوان این خون تا قیامت ماند برما» یکی از مثنوی‌های درخشان عاشورایی‌است. به ضرص قاطع می‌توان گفت تا پیشاز این هیچ کس چنین نگاهی به وقایعاشورا نداشته است. عمده شعرهایی که بهاین واقعه عظیم پرداخته‌اند، از حوزه سوگفراتر نرفته‌اند، در حالی که معلم در اینشعر از زخم عمیقی که بر پیکر انسان نقشبسته است سخن می‌گوید و رسالتی را کهبر دوش شیعیان نهاده شده گوشزد می‌کند:

بی‌درد مردم ما خدا، بی‌درد مردم  
نامرد مردم ما خدا، نامرد مردم  
از پا حسین افتاد و ما برپای بودیم  
زینب اسیری رفت و ما بر جای بودیم  
از دست ما بر ریگ صحرا نطع کردند  
دست علمدار خدا را قطع کردند  
در برگ ریز باغ زهرا برگ کردیم  
زنجیر خابیدیم و صبر مرگ کردیم  
چون بیوهگان ننگ سلامت ماند بر ما  
تاوان این خون تا قیامت ماند بر ما  
رجعت... ص 66

ب) مثنوی‌های علی معلم چه از نظر وزن وچه از نظر محتوا بی‌همتااست. قالب مثنویمعمولاً از وزنهای نسبتاً کوتاه بهره‌می‌برد، اما معلم در مثنوی‌های خودوزنهایی را به کار گرفته که جزء قالبهای بلند محسوب می‌شوند. این قالبها بیشتردر سرایش غزل کاربرد داشته‌اند. استفادهاز این اوزان در مثنوی باعث شده شعر وی‌آهنگ خاصی به خود گیرد. استفاده از ردیفهای بلند و قافیه‌های درونی از ویژگی‌های دیگر شعر معلم است. بهره‌گیری این گونه از ردیف و قافیه برایافزایش بار موسیقایی شعر تا پیش از اینسابقه نداشته است. به بیان دیگر می‌توانگفت ظرفیتهای دیگر قالب مثنوی در شعرمعلم تجلی یافته است.

3 - هنرمندان بزرگ همیشه با خلق اثرهنری خویش جریان ایجاد می‌کنند و آثار آنان باعث می‌شود هنرمندان دیگر نیز برسر ذوق آیند و به پیروی از آنان آثار جدیدهنری خلق کنند. در این پیروی تأثیر هنرمندبزرگ بر دیگران کاملاً هویدا است، اما هیچکدام از آثار خلق شده همه ویژگی‌های هنرهنرمند اصیل را ندارد. چنان که شاعرانزیادی به تقلید و تأثیر از فردوسی حماسهسرودند یا به تقلید و اقتفای نظامی شعرغنایی سرودند، اما کار همه مقلدان دردرجات بعدی قرار می‌گیرد و آثارشان بهدرخشانی شعر فردوسی یا نظامی نیست. نگاهی به شعرهایی که به اقتفای شعری موفق سروده شده‌اند نشان می‌دهد، بهندرت شاعران مقلد توانسته‌اند آثار موفق ارائه دهند. به عنوان مثال نمونه‌هایی از غزلرا که به تقلید حافظ یا سعدی سروده شده‌اند هیچ گاه نمی‌توان غزلهای موفقیدانست.

پس از انتشار مثنوی‌های معلم جریانعیظیم از مثنوی سرایی در بین شاعرانانقلاب رایج شد و اتفاقاً بسیاری از اینمثنوی‌ها خوش درخشیده‌اند. در هر کدام ازاین مثنوی‌ها نشانهایی از تأثیر شعر معلمرا می‌توان دید، اما هیچ کدام به همه وجوهشعر معلم دست نیافته‌اند. حتی قالبترکیبی غزل - مثنوی که در گذشته نیزنمونه‌هایی از آن را می‌توان دید (به عنواننمونه استفاده از غزل در میانه يك مثنویدر آثار نظامی سابقه دارد.) در دورهمعاصر برای نخستین بار در شعر معلما اتفاق افتاده است. وی در شعر بلند هجرتغزل زیر را گنجانده است:

کای از اسیران کمندت خستهر ما  
از زمره زنجیریانت بستهر ما  
در جلوه گاه عرض استغنا و حاجت  
بگسستهتر ما از تو و پیوستهر ما  
با زخم صید انداز چشم دلشکارت  
از جعد زلف سر کشت بشکستهتر ما  
ای با خیالت از رهایان ما رهاتر  
از هر دو عالم در کمندت رستهتر ما  
تا چند استغنا و هجران تو تا چند  
دلستهتر ما با تو و بگسستهتر ما

مقلدان معلم در استفاده از وزن و قالب کمابیش موفق بوده‌اند، اما در مضمون یابی ومحتوا هرگز به ساحت وی نزدیک نشده‌اند. معلم از معدود شاعران معاصر است کههمچون بزرگان

سلف خویش بر آثارشاعران و نویسندگان پیش از خود اشراف کامل دارد و به خوبی توانسته است معلومات خویش را در آثار خود به کارگیرد.

4 - همه هنرمندان بزرگ صاحب سبک‌اند و همین صاحب سبک بودن آثار آنان را از دیگر هنرمندان متمایز می‌کند. اگر چه هر یک از شاعران و نویسندگان بزرگ زبانفارسی متعلق به یکی از دوره‌ها و سبک‌های ادبی‌اند، اما ویژگی‌های اختصاصی آنان شعر و سخنشان را از هم عصران خود متمایز می‌کند. معلم با توجه به هم‌پوزگی‌هایی که در بالا بر شمردیم شاعری صاحب سبک است. وی توانسته با استفاده از میراث گذشتگان فرهنگ و هنر سخنانی از جنس امروز بر زبان آورد. معلم با توجه به استفاده از لغات و اصطلاحات باستانی، شمایل‌ی باستان گرایانه به شعر خود داده‌است. اما گاه علی‌رغم استفاده از لغات باستانی، شعر وی از نحوی امروزی برخوردار است. در واقع وی با اصطلاحات کهن لباسی نو بر شعر پوشانده است.

نه هیچ گدم از قفا نه هیچ در برابرم

در این سفر پگاهتر سوار شد برادرم

چه غربتی است بادیه سحر غم برآمده

تو خفته کاروان شده، سپیده دم برآمده

چه غربتی است بادیه سحر به سایه تاخته

کرانه غرق خون شده سپیده خنجر آخته

چه غربتی است بادیه تو خفته کاروان شده

برادران همسفر پگاهتر روان شده

5 - هنر هنرمندان بزرگ محصور به زمان نیست. اگر اثری فقط برای دوره‌های خاص از تاریخ خلق

شده باشد، بی‌شک چندان در خور توجه نخواهد بود. چنان که شعر حافظ و مولوی فقط برای

خوانندگان قرن‌های هفتم و هشتم سروده نشده‌اند. شاعران و نویسندگان بزرگ به زبان و بیانی

سخنمی‌گویند که برای همه زمانها تازگی دارد و از موضوعاتی می‌سرایند که گرد کهنگی

بردامان آن نمی‌نشیند. اصولاً هنر به طور عام و شعر به طور خاص، بیان تجربه‌های بیان‌نشده

جمعی است. اگر شعری بین عوام و خواص با مقبولیت روبرو می‌شود، نه به دلیل ظرافت‌های

ظاهری و زبانی است، بلکه به دلیل بیان تجربه‌هایی است که دیگران از بیان آن عاجز بوده‌اند.

به طور قطع خوانندگان شعر حافظ و خیام در دیگر کشورها که به زبانی دیگر سخن

می‌گویند، هرگز به ظرافت‌های زبانی و ادبی آن پی‌نمی‌برند، بلکه روح چنین آثاری است

که خوانندگان را به هر زبان که باشند - برسر ذوق می‌آورد.

شعر معلم مختص زمان خاصی نیست. وی حتی زمانی که از مسائل اجتماعی سخن می‌گوید،

به زبانی فرا زمانی شعر می‌گوید. به عنوان مثال یکی از مثنوی‌های بلند معلم شعر هجرت

است. این شعر با نگاهی بهوقایعی که منجر به انقلاب اسلامی شد، کلیت موضوع هجرت در

تاریخ انسان را مدنظر قرار داده است و بدین ترتیب شعر خود را به یک برهه خاص از تاریخ

محدود نکرده‌است. یکی از موضوعاتی که به وفور در شعر معلم دیده می‌شود، سوگسود

برای شخصیت‌های بزرگ معاصر است. برای مثال وی چند مثنوی خود را به مرحوم دکتر شریعتی

تقدیم کرده است. علاوه بر این کهدر این مثنوی‌ها سوگ و مرثیه آن چنان کهدر شعر دیگران

مرسوم است، وجود ندارد، نگاه معلم کاملاً فرا زمانی است و شعر خود را به توضیح و توصیف

فضایل یک شخص اختصاص نداده است.

سوگسود برای معلم بهانه‌های برای بیان‌کناتی است که دغدغه اصلی و همیشگی معلم

است.

ابیاتی که در زیر می‌آید به شهید شاه‌چراغی تقدیم شده است:

باور کنیم رجعت سرخ ستاره را

میعاد دستبرد شگفتی دوباره را

باور کنیم رویش سبز جوانه را

ابهام مرد خیز غبار کرانه را

باور کنیم ملک خدا را سرمد است

باور کنیم سکه به نام محمد است...

این جا هنوز عرصه گیر و کشاکش است

این جا هنوز خواب اسارت مشوش است

این جا جهان شب است ولی بی‌کرانه نیست

فردای روشنایی ره بی‌بها نه نیست.

رجعت... ص 46

× × × ×

در پایان ذکر دو نکته ضروری است؛ نخست آن که این نوشته در ذکر محاسن شعر معلم نوشته

شده است. و واضح است کاستی‌های مثنوی‌های معلم را باید در فرصتی دیگر بررسی کرد.

دوم این که معلم این سالها به‌دلایلی به ترانه‌سرایی روی آورده است. نقد و بررسی این

ترانه‌ها که بخشی از فعالیت‌های هنری معلم را تشکیل می‌دهد، مجال دیگری را طلب می‌کند.

ترانه‌هایی که گاه به مویه‌های یک پهلوان شبیه‌اند و سراینده آن با تمام هیبت شاعری خود

در آنها حضور دارد.

والسلام